

رابطه فرهنگ و سیاست: تبیین جایگاه ارزش‌های دینی در سینمای جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد

علی‌علی حسینی*

زهره شمس**

چکیده

هدف از تشکیل حکومت دینی در اسلام، فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های مناسب تربیتی برای رسیدن انسان به کمال است. اصلاح هر جامعه از اصلاح فرهنگی آن آغاز می‌شود. مهم‌ترین وظیفه فرهنگ، تربیت انسان است که رسانه‌های جمعی به‌طور عموم به‌عنوان مهم‌ترین کانال‌های فرهنگ‌ساز و هدایت‌گر فرهنگ جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. از ابزارهای فرهنگی که در اختیار حکومت است و تأثیر بسیاری بر مهندسی ذهن و مدیریت افکار عمومی دارد و زمینه‌ساز تربیت انسان‌ها می‌شود، رسانه به‌طور اعم و سینما به‌طور اخص است. بدین ترتیب، یکی از وظایف حکومت، استفاده از ابزار سینما برای هدایت افراد در جهت مطلوب است. هدف این پژوهش آن است که از طریق روش تحلیل محتوای کمی و کیفی فیلم‌های سینمایی به بررسی این موضوع بپردازد که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومت دینی تا چه حد توانسته است از ابزار سینما برای فراهم آوردن شرایط تربیتی و جهت‌دهی به افکار مردم بهره‌برد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران آن‌چنان‌که باید در استفاده از این ابزار در جهت تحقق تربیت دینی افراد موفق نبوده است. استفاده از ارزش‌های دینی در سینما بسیار اندک است و حتی فیلم‌هایی هم که موضوع اصلی آنها به دین اختصاص دارد، در واقع در انتخاب موضوع و نیز پرداختن به آن بسیار ساده کار کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها

تربیت، ارزش‌های دینی، فرهنگ، سیاست، سینما.

مقدمه

از دیدگاه اسلام، مهم‌ترین هدف حکومت این است که زمینه رشد و تعالی فرد و جامعه را فراهم کند تا استعدادها در جهت کمال مطلق شکوفا گردد. در این باره حضرت علی علیه السلام آموزش همگانی، رشد اخلاقی و بسترسازی برای شکوفاشدن کمالات انسانی را از امور سیاسی حکومت معرفی می‌کند: «حقوق شما بر من آن است که شما را پند و اندرز دهم، و بیت‌المال را در راه شما صرف کنم و شما را تعلیم دهم تا از نادانی نجات یابید و شما را تربیت کنم تا آداب و رفتار اجتماعی را فرا گیرید و آگاه شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴: ۶۹).

بنابراین، در حکومت اسلامی، تربیت، بالاترین هدف است که به وسیله آن عزت و سعادت دنیا و آخرت تأمین می‌شود. پس با توجه به دستورالعمل حکومتی حضرت دانسته می‌شود که برنامه‌های حکومت اسلامی باید زمینه را برای اصلاح مردم فراهم کند و از تمامی امکانات در جهت اصلاح مردم بهره‌برد؛ اگرچه اصلاح مردم در اختیار حاکم نیست و اصلاح آنان در دست خودشان است، ولی حاکم باید به زمینه‌سازی برای اصلاح بپردازد. همچنین امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هدف حکومت اسلامی تأمین سعادت بشر است» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۸: ۱۹۰). «انسان باید به جایی برسد که آینه تجلی جمال و جلال خداوند شود و این تنها قلب انسان است که چنین ظرفیتی دارد» (همان: ۴۵).

از نگاه امام خمینی علیه السلام، باید اصلاح جامعه را از اصلاح فرهنگی آن آغاز کرد؛ چراکه فرهنگ، اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیای فرهنگی امکان‌پذیر است. از نگاه ایشان، اصلی‌ترین و برترین نقش و وظیفه فرهنگ، تربیت انسان صالح است. بر این اساس، ارزش‌های دینی برای واردشدن به قلمرو هنجاری جامعه و تبدیل شدن به فرهنگی فراگیر، نیازمند تشریح، تبلیغ، بسترسازی، تمهید مقدمات و شرایط اجرایی مناسب است. رسانه‌های جمعی عموماً به‌عنوان مهم‌ترین کانال‌های

فرهنگ‌ساز، که هدایت‌گری روند کلی فرهنگ جامعه را برعهده دارند، در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند که در این خصوص حضرت امام خمینی با تشریح نقش رسانه‌های جمعی، از آنها با عنوان «دانشگاه عمومی» یاد کرده است که باید در تمام سطح کشور گسترش یابند و تمام مردم را متفکر، مبارز و دینی بار بیاورند (معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۵۵).

در این میان، نقش سینما به‌عنوان یکی از رسانه‌هایی که نقشی بسیار تعیین‌کننده در جهت‌دهی افکار دارد، بسیار مهم است؛ چراکه در فیلم، هیچ تصویری نمی‌تواند «سهواً یا به‌طور تصادفی» در میان مجموعه تصاویر فیلم قرار بگیرد؛ این اصلی کاملاً بدیهی است که انسان را به یک خصوصیت جامع درباره «واقعیت سینمایی» راهبر می‌شود (آوینی، ۱۳۶۹: ۳). از آن‌جا که ما در عصر جهانی شدن و فراطلاعاتی قرار داریم، سینما، یکی از راه‌های ساده و پذیرفته‌شده برای گسترش فرهنگ و ارزش‌هاست.

این پژوهش از طریق روش تحلیل محتوا به استخراج داده‌ها پرداخته است. تحلیل محتوا به دو روش تحلیل محتوای کمی و تحلیل محتوای کیفی تقسیم می‌شود. در واقع تحلیل محتوا را می‌توان به‌طور شهودی، روشی در کندوکاو معنای نمادین پیام‌ها توصیف کرد.

پرسش پژوهش حاضر عبارت است از: جایگاه ارزش‌های دینی در سینما در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد در جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که به دلایل گوناگون، از جمله ضعف فنی سینماگران و نیز در اولویت‌نبودن سیاست‌های فرهنگی برای دولت‌ها و جهانی‌شدن و تأثیر آن بر سینما، استفاده از ارزش‌های دینی اندک است؛ اگرچه این امر شدت و ضعف دارد؛ بدین صورت که در دهه شصت به دلیل فضای جنگی و آرمانی توجه به ارزش‌های دینی بیشتر است و در دهه‌های هفتاد و هشتاد به دلیل دورشدن از این فضا و از سوی دیگر، جهانی‌شدن ارزش‌های دینی کمتر مورد توجه هستند.

پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌هایی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بررسی رابطه سیاست و فرهنگ

به‌طور عامل، و دین و سینما به‌طور خاص پرداختند، به ذکر مواردی چند بسنده می‌کنیم: مهدی‌نژاد (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «رهیافتی برای تدوین الگوی مدیریت رسانه از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری از لحاظ نظری مدل‌هایی را از دیدگاه آنها درباره الگوی مدیریتی رسانه با رویکرد دینی استخراج کرده است. تفاوت این پژوهش با پژوهش حاضر در این است که او با استفاده از روش اسنادی کتابخانه‌ای الگوی نظری داده است، ولی ما فیلم‌های سینمایی را از طریق روش تحلیل محتوا بررسی کرده‌ایم. پژوهش حاضر در واقع نوعی آسیب‌شناسی است.

آخوندی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «رسانه‌های تعاملی و آموزش مفاهیم اسلامی به کودکان: مطالعه آزمایشگاهی نرم‌افزار اسلامی "شکوفه"» بیان می‌کند که مشاهدات مطالعه آزمایشگاهی، نشان‌دهنده تمایزاتی در دریافت نمونه‌هاست که عدم دقت تقسیم‌بندی روان‌شناسانه رشد تفکر دینی برای دستیابی به الگوی درک دینی کودکان را از مفاهیم ارائه‌شده در نمونه مورد بررسی بیان می‌کند. این پژوهش از طریق روش آزمایشگاهی، نرم‌افزار اسلامی شکوفه و اثرگذاری آن را بر کودکان بررسی کرده است، ولی پژوهش حاضر به میزان دینی بودن و ارزش‌های دینی فیلم‌های سینمای دهه‌های شصت تا هشتاد می‌پردازد.

صمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی با نام «تأثیر تماشای انیمیشن‌های مذهبی ایرانی بر رفتار دینی نوجوانان: مطالعه موردی هشت مدرسه راهنمایی و دبیرستان منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران» نشان می‌دهد، به‌طور کلی تماشای انیمیشن‌های مذهبی، رفتار دینی گروه مخاطب را تقویت کرده است و در این میان، جنسیت و پیشینه دینداری نوجوانان در این تأثیر نقش دارد. در این پژوهش از طریق روش اثرگذاری انیمیشن‌های مذهبی را بر نوجوانان بررسی کرده است، ولی پژوهش حاضر میزان دینی بودن و ارزش‌های دینی فیلم‌های سینمای دهه‌های شصت تا هشتاد را بررسی کرده است.

جعفریان (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محتوای هویت اجتماعی زن با تأکید بر هویت دینی در سینمای دهه هشتاد ایران» نشان می‌دهد که سینمای ایران نقش مثبت و مؤثری در ارائه هویت زن مسلمان به جامعه نداشته است؛ درحالی که پژوهش حاضر میزان دینی بودن و ارزش‌های دینی فیلم‌های سینمای دهه‌های شصت تا

هشتاد را از طریق روش تحلیل محتوا بررسی کرده است.

بدرالدین (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی حضور زن در عرصه‌های هنر به‌ویژه سینما و تئاتر از دیدگاه فقه اسلامی» به اهمیت هنر، جایگاه و محدوده حضور زنان در عرصه هنر، به‌ویژه سینما و تئاتر پرداخته است و بیان می‌کند که زنان می‌توانند با رعایت ضوابط و معیارهایی که شرع مقدس آن را واجب دانسته، در همه عرصه‌های هنر، همدوش مردان در جهت رشد و بالندگی جامعه اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی ایفای نقش کنند و حضوری مؤثر داشته باشند؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر یکی از مقوله‌ها درباره شکل نمایش زن در سینما بوده است که: آیا در سینما «زن اسلامی» نمایش داده می‌شود؟

اسماعیلی‌فرد (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان عرفی‌شدن دین در رسانه دینی با تأکید بر تلویزیون از دیدگاه دانشجویان دانشگاه اصفهان» با رویکرد نظری و پیمایشی نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان، امکان عرفی‌شدن دین در برنامه‌های دینی تلویزیون از حد متوسط بیشتر بوده است. تفاوت این پژوهش با پژوهش حاضر در این است که در پژوهش حاضر ما خود جایگاه ارزش‌های دینی را نشان داده‌ایم.

آذری بروجنی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «دین و رسانه: شناسایی و تحلیل ناهمگونی‌های برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران با مبانی فرهنگ اسلامی در حوزه اعتقادات و اخلاق از منظر صاحب‌نظران حوزه دین و رسانه» مجموعه‌ای از ناهمگونی‌ها و راهکارهای اصلاحی، در چهار محور اصلی از کارکردهای رسانه، یعنی (۱) آموزش، (۲) خبر و اطلاع‌رسانی، (۳) تفریح و سرگرمی و (۴) ارشاد و تبلیغ را استخراج کرده است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر خود فیلم‌ها را بررسی کرده‌ایم و داده‌ها به‌صورت مستقیم از خود فیلم‌ها استخراج شده‌اند.

تفاوت نخست پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبل در روش است. روش تحلیل محتوا روش جدیدی است که شامل تحلیل محتوای کمی و کیفی است و این پژوهش از هر دو روش در استخراج داده‌ها استفاده کرده است. تفاوت دیگر در سنجش کمی و کیفی ارزش‌های دینی در سینمای ایران است. تفاوت سوم، در بررسی سیر تحول این ارزش‌ها در

سینما و هم‌زمان بررسی تغییراتی است که در عرصه سیاست با تغییر دولت‌ها شاهد آن هستیم.

روش پژوهش

نخستین کندوکاو تجربی محتوای ارتباطات به مطالعات الهیات در اواخر سده هفدهم برمی‌گردد (کرپیندورف، ۱۳۷۳: ۱۳). با این حال، تاریخ‌نگاران آغاز این تحقیقات را به کارهای آن دسته از دانشمندان علوم سیاسی نسبت می‌دهند که به تأثیر تبلیغات و دیگر پیام‌های اقناعی علاقه‌مند بودند (سورین و تنکارو، ۱۹۹۲: ۹۸؛ به نقل از رایف، ۱۳۸۱: ۵). ولیزر و وینر، تحلیل محتوا را هر رویه نظام‌مندی که به منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط‌شده طراحی شده باشد، تعریف می‌کنند (راجر دی ویمر، ۱۳۸۴: ۲۱۷) و قطعاً ارتباطات جمعی، حوزه سنتی تحلیل محتواست (کرپیندورف، ۱۳۸۶: ۲۶-۳۱). تحلیل محتوا معمولاً به دو روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تقسیم می‌شود:

تحلیل محتوای کمی

کاپلان^۱ در خصوص تحلیل محتوای کمی می‌گوید: «روش تحلیل محتوا، معناشناسی آماری مباحث سیاسی است» (کاپلان، ۱۹۴۳: ۲۳۰؛ به نقل از هولستی، ۱۳۷۳). برلسون می‌گوید: «تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار و پنهان پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود» (بدیعی، ۱۳۸۰: ۷).

تعریف کرلینگر بسیار متعارف است: «تحلیل محتوا، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست» (راجر دی ویمر، ۱۳۸۴: ۲۱۷). از نظر هولستی «اساس تحلیل محتوای کمی بر کمی کردن کیفیت‌ها و متن مورد بررسی استوار است و به همین خاطر، کمی بودن بارزترین ویژگی تحلیل محتوا محسوب می‌شود» (هولستی، ۱۳۷۳: ۳۰).

تحلیل محتوای کیفی

بدر تحلیل محتوای کیفی «کراک هور» از نمایندگان مکتب فرانکفورت بوده که

1. Kaplan

کارهایش عمدتاً تحلیل فیلم است. تحلیل محتوای کیفی، روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون حاصل از مصاحبه‌ها، یادداشت‌های روزانه یا اسناد می‌پردازد. این تحلیل در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد (مقتدایی، ۱۳۹۲).

بر اساس نظریه شی‌یه و شانون، می‌توان رهیافت‌های موجود را در زمینه تحلیل محتوای کیفی به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی؛ ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار؛ ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی.

تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه، محدود باشد. در این وضعیت، پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها، ناشی شوند. در این وضعیت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برای‌شان حاصل شود (Wellman, & Kondracki: 224-230 2002). در این پژوهش از تحلیل محتوای عرفی استفاده شده و پس از مشاهده فیلم‌ها به کشف مقوله‌ها پرداخته‌ایم.

واحد تحلیل

واحد تحلیل، کوچک‌ترین جزء پیکره متن است که برای رسیدن به هدف تحقیق، اندازه‌گیری و شمارش می‌شود. واحد تحلیل اغلب می‌تواند در بردارنده کلمه، جمله، پاراگراف، عکس یا صفحه باشد (جمشیدی، ۱۳۷۶: ۶۵). در این پژوهش واحد تحلیل، سکانس^۱ بوده است. سکانس، مجموعه‌ای از نماها و صحنه‌های مرتبط است که واحد منسجم دراماتیکی دارند و حاوی داستان‌های کوچک یا سرگذشت مختصر یکی از کاراکترها هستند. در واقع، هر سکانس شامل چندین پلان است (قاسمی، ۱۳۸۸). در این

1. Sequence

پژوهش پس از بررسی سکانس به سکانس فیلم و گردآوری داده‌ها، در نهایت با جمع آنها، فراوانی را به دست آورده و درصد گرفته‌ایم.

تکنیک و ابزار تجزیه و تحلیل

تکنیک در این پژوهش، پرسش‌نامه معکوس است که از سوی محقق طراحی گردید. در بررسی و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزارهای Excel و spss برای گردآوری، بررسی و تحلیل استفاده شد.

جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق

همه عناصر ممکن موجود در زمینه مورد بررسی را که در یک یا چند صفت یا ویژگی با هم مشترک هستند «جامعه آماری» می‌گوییم (نقیب‌السادات، ۱۳۹۱: ۴۰). جامعه آماری پژوهش حاضر، همه فیلم‌های دهه‌های شصت تا هشتاد است که تعداد آنها بر اساس سرشماری در مجموع ۱۵۵۹ عدد اعلام شده است (امید، ۱۳۷۴: ۹۰).

نمونه، عضوی از جامعه آماری است که ویژگی‌های غالب اعضای جامعه آماری را داراست و در واقع معرف جامعه یا مجموعه آزمودنی‌هاست و نتایج حاصل از مطالعه آن، قابل تعمیم به کل جامعه است (دواس، ۱۳۷۶: ۴۵).

یکی از انواع نمونه‌گیری‌ها، نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم نمونه است. این نوع نمونه‌گیری غالباً برای بررسی محتوای رسانه‌های جمعی به کار می‌رود تا عملیات گوناگونی را روی طبقه‌های فرعی نامشابه طبقه وسیع‌تری از منابع میسر سازد (هولستی، ۱۹۷۳: ۲۰۴).

در این پژوهش، ابتدا جامعه آماری به سه طبقه تقسیم، و فیلم‌ها به سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد تقسیم شد. سپس سهم نمونه در هر طبقه بر اساس معیار حجم نمونه متناسب با همه آنها در جامعه آماری از طریق فرمول کوکران با $0/95$ اطمینان و خطای برآورد $0/05$ برآورد گردید. برای دهه شصت تعداد یازده نمونه، برای دهه هفتاد تعداد چهارده نمونه و برای دهه هشتاد تعداد هفده نمونه انتخاب شد.

جدول (۱-۲) فهرست فیلم‌ها بر اساس هر دهه

اسامی							تعداد	دهه
	شیرسنگی	شب‌شکن	سایه‌های غم	دادا	چشم شیشه‌ای	توبه نصوح	۱۱	دهه شصت
		هامون	موج طوفان	مادر	گلنار	عروس		
یاس‌های وحشی	پرتگاه	بوی کافور عطر یاس	بوی پیراهن یوسف	آرزوی بزرگ	آبی	اشک و لبخند	۱۴	دهه هفتاد
یاغی	هور در آتش	نسل سوخته	منطقه ممنوعه	عیالوار	زن شرقی	چشم‌هایم برای تو		
	پشت پرده مه	شکلات	مانی و ندا	خاکستری	همسر دلخواه من	سفر به فردا	۱۷	دهه هشتاد
	برخورد خیلی نزدیک	استشهادی برای خدا	میهمان	آتش‌بس	یک شب	گل یخ		
		یکی از ما دو نفر	جدایی نادر از سیمین	دموکراسی تو روز روشن	آل	هر شب تنهایی		

مقوله‌سازی تحلیل

هنگامی که واحد تحلیل معین شد، باید مشخص شود واحدهای استخراج و شمارش شده چگونه دسته‌بندی می‌شوند. عناوین این دسته‌بندی‌ها، مقوله تحلیل را تشکیل می‌دهند. در نهایت واحدهای تحلیل بر اساس مقوله‌های تحلیل دسته‌بندی می‌شوند تا مراحل شمارش و تحلیل اطلاعات صورت گیرد (جمشیدی ۱۳۷۶: ۶۵). مقوله‌های مورد استفاده در این پژوهش در زیر ارائه خواهند شد.

جدول (۲-۲) مقوله‌ها

مقولات فرعی			مقوله اصلی
مناسب	مرد	نوع پوشش	رعایت احکام
نامناسب			
چادری	زن		
خوب			
متوسط			
ضعیف	آزاد	روابط زن و مرد	
		برجسته کردن تعصبات قومی	
		دروغ	
		غیبت	
		سوگند	
	مجاز	آهنگ	
	غیرمجاز		
		اسراف	
		مذهبی	تصاویر و نمادها
	داخلی	تاریخی	
	خارجی		
		فرهنگی	اصطلاحات
		مذهبی	
		فرهنگی	
		ضرب‌المثل	
	خوب	نوع رفتار با پدر و مادر	پابندی به دین
	متوسط		
	بد		

مقولات فرعی			مقوله اصلی
		نوع دوستی	فرهنگ شهروندی
		عدم نوع دوستی	
		رعایت قوانین شهروندی	
		عدم رعایت قوانین شهروندی	
		صله رحم	
		شغلی	اولویت نقش خانوادگی
		خانوادگی	
		مادی گرایی	ترویج معنویت گرایی
		معنویت گرایی	
		توسل	صحبت از ائمه
		نقل روایت	
		ویژگی های شخصیتی	
		نام بردن از ائمه	
		حکومت سازی اسلامی	
			اسامی دینی
			شعائر و مناسک
		غیر دینی	
		نماز	
		وضو	
		اذان	
		صلوات	
		قرآن	

مقولات فرعی			مقوله اصلی
		دعا	
		زیارت	
		جهاد در راه خدا	
		سخنرانی مذهبی	
		عزاداری	
		مذهبی	گفتارها
		عامیانه	
		خارج از عرف	
		سیاسی	
		نامناسب	
		عرفان‌گرایی	
		روان‌شناسی	
		ضدمذهب	

پایایی

این پژوهش ابتدا به طراحی مقوله‌ها می‌پردازد و با نظرخواهی از صاحب‌نظران، اعتبار صوری آن فراهم می‌گردد. سپس برای سنجش پایایی از روش پایایی مرکب استفاده می‌شود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

$$\text{پایایی مرکب} = \frac{n \text{ (میانگین موارد مورد توافق داوران)}}{1 + (n - 1) \text{ (میانگین موارد مورد توافق داوران)}}$$

$$\text{پایایی مرکب} = \frac{3 (0.65)}{1 + (3 - 1)(0.65)} = \frac{1.95}{2.3} = 0.84$$

اعتبار یا روایی

اعتبار (روایی) به ارتباط منطقی میان پرسش‌های آزمون و مطلب مورد سنجش اشاره دارد. وقتی گفته می‌شود آزمون، روایی دارد، بدین معناست که پرسش‌های آزمون به‌طور دقیق آنچه را که مورد نظر است، می‌سنجد. اعتبار، جنبه‌های گوناگونی دارد و ارتباط میان پرسش و آزمودنی با توجه به همه جنبه‌های آن حاصل می‌شود و در صورتی که این ارتباط وجود نداشته باشد، اعتبار پدید نمی‌آید.

برای ارزیابی روایی محتوایی، از نظر متخصصان درباره میزان هماهنگی محتوای ابزار اندازه‌گیری و هدف پژوهش استفاده می‌شود. برای این منظور، دو روش کیفی و کمی را در نظر می‌گیرند. در بررسی کیفی محتوا، پژوهشگر از متخصصان درخواست می‌کند پس از بررسی کیفی ابزار، بازخورد لازم را ارائه دهند که بر اساس آن موارد اصلاح خواهند شد. در این پژوهش از روش کیفی ارزیابی اعتبار از طریق بهره‌مندی از نظر صاحب‌نظران استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

جایگاه ارزش‌های دینی در سینما در دهه شصت در جمهوری اسلامی ایران

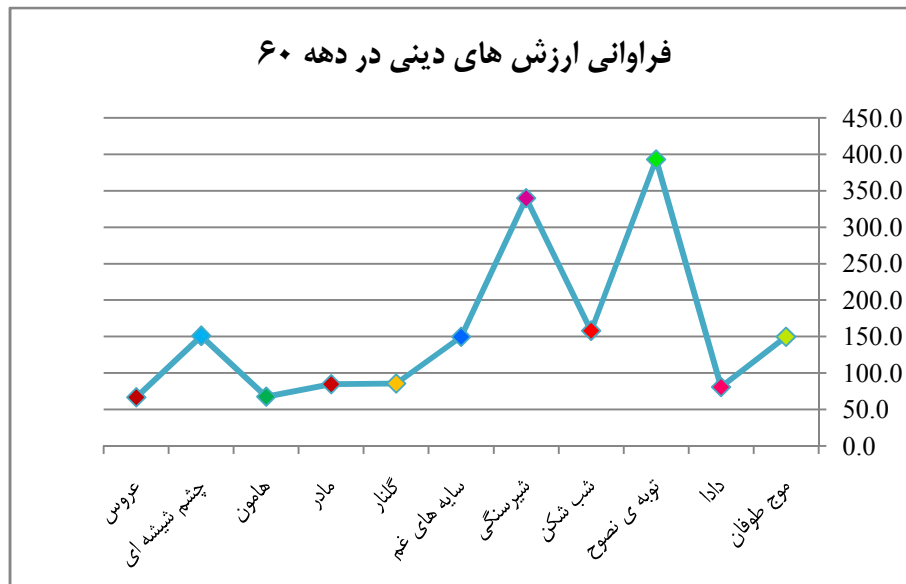
جدول (۶-۱) ارزش‌های دینی در سینما در دهه شصت

مقوله اصلی	گفتارهای دینی	اسامی دینی	پایبندی به دین	اصطلاحات دینی	رعایت احکام	تصاویر و نمادهای دینی	نوع پوشش مناسب	صحبت از ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	شعائر و مناسک
دهه ۶۰	۰/۱۵	۰/۶۱	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۹۷	۰/۰۲	۰/۰۸

جدول بالا که نشان‌دهنده ارزش‌های مذهبی در طول دهه شصت در سینمای جمهوری اسلامی ایران است، گویای آن است که نزدیکی این دهه به فضای جنگ و وجود شرایط جنگی و انقلابی بر توجه به ارزش‌های دینی در سینما اثر گذاشته است. برای نمونه، پوشش

مناسب در این دهه ۹۷ درصد بوده است؛ در صورتی که تنها ۳ درصد دارای پوشش نامناسب و برخی هم از لحاظ پوششی متوسط بوده‌اند. یا استفاده از اسامی دینی برای بازیگران ۶۱ درصد بوده و تنها ۳۹ درصد اسامی بازیگران غیردینی بوده است. گرچه همان‌طور که در جدول هم مشاهده می‌کنید، باز هم مقوله‌های دیگر مثل گفتارهای مذهبی به کار رفته در این دهه به نسبت گفتارهای دیگر بسیار اندک بوده است و تنها ۱۵ درصد گفتارها را شامل می‌شود. یا اشاره به ائمه در این دهه همچنان درصد اندکی را در بر می‌گیرد و تنها ۲ درصد را به خود اختصاص داده است که این مقدار هم فقط استفاده از نام ائمه یا سوگند خوردن به آنها و تنها در یک مورد بیان روایت از ایشان بوده است. یا از تصاویر و نمادهای دینی در بین دیگر تصاویر و نمادها یک درصد استفاده شده که این هم بسیار درصد کمی است.

سیر تحول ارزش‌ها در فیلم‌های دهه شصت



شکل (۶-۲) نمودار سیر تحول ارزش‌ها در فیلم‌های دهه شصت

نمودار بالا بیانگر سیر تحول ارزش‌های دینی در دهه شصت است. همان‌طور که داده‌های (۶-۲) نشان می‌دهد، در سال‌های ابتدایی دهه شصت ارزش‌های دینی بیشتری به نسبت سال‌های پایانی این دهه نمایش داده شده است و هرچه از فضای جنگی دورتر و به دهه هفتاد نزدیک‌تر می‌شویم، شاهد کم‌شدن ارزش‌های دینی در فیلم‌های سینمایی هستیم که به نظر می‌رسد به دلیل در اولویت قرار گرفتن اقتصاد و توسعه اقتصادی از سوی سیاست‌مداران و در حاشیه رفتن ارزش‌های دینی است.

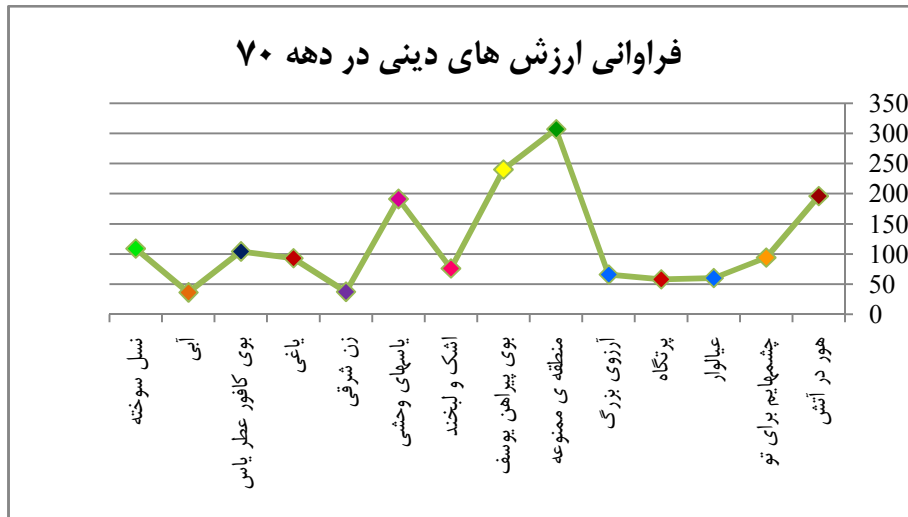
جایگاه ارزش‌های دینی در سینما در دهه هفتاد در جمهوری اسلامی ایران

جدول (۶-۲) ارزش‌های دینی در سینما در دهه هفتاد

مقوله اصلی	گفتارهای دینی	اسامی دینی	پابندی به دین	اصطلاحات دینی	رعایت احکام	تصاویر و نمادهای دینی	نوع پوشش مناسب	صحبت از ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	شعائر و مناسک
دهه ۷۰	۰/۱۱	۰/۵۹	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۰۶

جدول بالا حاکی از آن است که استفاده از ارزش‌های دینی در دهه هفتاد در مقایسه با دهه شصت کاهش یافته است. در این دهه، نوع پوشش مناسب ۸۸ درصد است و پوشش از چادر به مانتو تغییر پیدا کرده است. همچنین، ۱۲ درصد پوشش بازیگران نامناسب است که در زنان به مانتوهای کوتاه، تنگ و استفاده از آرایش و بیرون گذاشتن موها و در مردان به استفاده از لباس‌های تنگ و نامناسب برمی‌گردد. اسامی دینی برای بازیگران ۵۹ درصد است و ۴۱ درصد اسامی، غیردینی است. رعایت احکام ۸ درصد و رعایت نکردن احکام ۹۲ درصد است. صحبت از ائمه در این دهه تنها ۵ درصد است که فقط شامل قسم خوردن به ایشان است. تصاویر و نمادهای مذهبی در میان تصاویر به کاررفته در فیلم‌ها، تنها ۱ درصد است. در این دهه، اصلاً از اصطلاحات مذهبی در فیلم‌ها استفاده نمی‌شود که نمودار زیر گویای آن است.

سیر تحول ارزش‌های دینی در دهه هفتاد



فراوانی ارزش‌های دینی در دهه هفتاد	مقوله اصلی	فراوانی ارزش‌های دینی در دهه هفتاد	مقوله اصلی
۷۶	اشک و لبخند	۱۹۶	هور در آتش
۱۹۱	یاسهای وحشی	۹۴	چشمهایم برای تو
۳۷	زن شرقی	۶۰	عیالوار
۹۳	یاغی	۵۸	پرتگاه
۱۰۴	بوی کافور عطر یاس	۶۶	آرزوی بزرگ
۳۶	آبی	۳۰۷	منطقه‌ی ممنوعه
۱۰۹	نسل سوخته	۲۴۰	بوی پیراهن یوسف

جدول و نمودار (۴-۶) سیر تحول ارزش‌های دینی در دهه هفتاد

نمودار بالا نشان‌دهنده سیر تحول استفاده از ارزش‌های دینی در دهه هفتاد است. بر اساس داده‌ها، استفاده از ارزش‌های دینی در ابتدای دهه بسیار اندک بوده است. این روند

در سال‌های ۷۴ و ۷۵ افزایش پیدا می‌کند و دوباره از سال ۷۶ به بعد شاهد سیر نزولی این ارزش‌ها در فیلم‌های سینمایی هستیم؛ به‌ویژه آن‌که یک‌سری ارزش‌های غیربومی هم در این دهه در فیلم‌های سینمایی دیده می‌شود. مثلاً در فیلم «زن شرقی» زهره با شوهرش حمید و دوست شوهرش محمود فوتبال بازی می‌کنند، یا اینکه او با دوست پدرش که او را «غریبه» صدا می‌زند، درد و دل می‌کند تا با والدین یا حتی شوهر خود، و این امر بسیار برجسته می‌شود که در دشواری‌ها غریبه به او آرامش می‌دهد. یا فیلم «آبی» که به‌طور کامل مخالف ارزش‌های بومی و دینی است و برای به‌سخره گرفتن دین و مذهب ساخته شده است. برای نمونه، در دین اسلام و قانون اساسی ازدواج دختر نیازمند اذن پدر است؛ در حالی که در این فیلم، دختر خودش را به زور به پسر تحمیل و بدون اجازه پدر و حتی بدون رضایت پسر با او ازدواج می‌کند یا ارتباطات روشنفکرانه زن و مرد را بدون هیچ‌گونه محدودیت دینی نمایش می‌دهد که همه حاکی از به‌حاشیه‌رفتن دین در فیلم‌های این دهه است.

جایگاه ارزش‌های دینی در سینما در دهه هشتاد در جمهوری اسلامی ایران

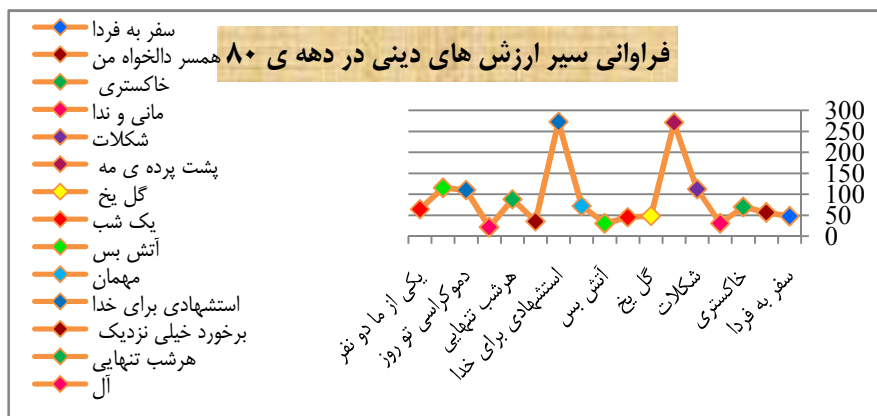
جدول (۳-۶) ارزش‌های دینی در سینما در دهه هشتاد

مقوله اصلی	گفتارهای دینی	اسامی دینی	پایبندی به دین	اصطلاحات دینی	رعایت احکام	تصاویر و نمادهای دینی	نوع پوشش مناسب	صحبت از ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	شعائر و مناسک
دهه ۸۰	۰/۰۷	۰/۳۸	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۷۱	۰/۰۲	۰/۰۴

همان‌طور که در جدول بالا آمده، ارزش‌های دینی در دهه هشتاد در مقایسه با دو دهه قبل سیر نزولی داشته است. در این دهه، پوشش مناسب زن و مرد ۷۱ درصد و پوشش نامناسب ۲۹ درصد بوده است. در فیلم‌های سینمایی این دهه، شاهد آرایش غلیظ زنان و لباس‌های نامناسب آنها هستیم. همچنین لباس‌های مردان هم نامناسب بوده، به شلوارهای جین و تنگ تبدیل شده است. تصاویر و نمادهای مذهبی اصلاً در بین تصاویر مورد استفاده در این فیلم‌ها استفاده نشده و گفتارهای دینی تنها ۷ درصد گفتارها

را به خود اختصاص داده است. اسامی دینی ۳۸ درصد و اسامی غیردینی ۶۲ درصد را دربر گرفته است. در بین اصطلاحات هم، اصطلاحات مذهبی اصلاً استفاده نشده است. صحبت از ائمه ۲ درصد بوده که تنها به بردن نام آنها تقلیل یافته است. فیلم‌های این دهه - به‌ویژه در سال‌های اولیه - شاهد رواج ارزش‌های غربی به جای ارزش‌های دینی هستیم. شاعر و مناسک دینی تنها ۴ درصد استفاده شده که نمودار پایین گویای آن است.

سیر تحول ارزش‌ها در دهه هشتاد



شکل (۶-۶) نمودار سیر تحول ارزش‌ها در دهه هشتاد

همان‌طور که در جدول بالا آمده، سیر ارزش‌های دینی در طول این دهه فراز و فرود دارد. مثلاً در فیلم‌های «همسر دلخواه من»، «سفر به فردا» و «مانی و ندا» ارزش‌های دینی بسیار اندک هستند. سپس، در فیلم «پشت پرده مه» زیاد می‌شوند و باز در فیلم‌های «گل یخ»، «یک شب» و «آتش بس» بسیار اندک می‌گردند و حتی اصلاً به کار نمی‌روند. دوباره در فیلم «استشهادی برای خدا» زیاد می‌شوند و سپس در فیلم‌های «برخورد خیلی نزدیک» و «آل» بسیار اندک می‌گردند و حتی در فیلم «آل» اصلاً استفاده نمی‌شوند. سپس در فیلم‌های «دموکراسی در روز روشن» و «جدایی نادر از سیمین» از

ارزش‌های دینی استفاده می‌شود؛ اگرچه علیه خود دین به کار گرفته می‌شوند و در نهایت در فیلم «یکی از ما دو نفر» بسیار اندک هستند و بیشتر ارزش‌های جنسی و شهوانی مطرح می‌گردند.

میزان بهره‌برداری حکومت جمهوری اسلامی ایران از ابزار سینما در جهت تربیت همان‌طور که داده‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است از این ابزار در جهت ترویج ارزش‌های دینی بهره‌برد و هرگاه فیلم‌سازان می‌خواستند پیامی مذهبی ارائه دهند، از نظر فنی چنان ضعیف عمل می‌کردند که به جای اینکه از طریق نمادها و به صورت پنهانی بر ذهن تأثیر بگذارند، پیام‌ها بسیار واضح و بدون داشتن فن لازم مطرح می‌گردید که به نظر می‌رسد تأثیرگذاری لازم را نداشته و در برخی از مواقع خسته‌کننده شده است.

جدول (۶-۴) میزان بهره‌برداری حکومت جمهوری اسلامی ایران

از ابزار سینما در جهت تربیت

مقوله اصلی	گفتارهای دینی	اسامی دینی	پابندی به دین	اصطلاحات دینی	رعایت احکام	تصاویر و نمادها دینی	نوع پوشش مناسب	صحبت از ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	شعائر و مناسک دینی
دهه ۶۰	۰/۱۵	۰/۶۱	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۹۷	۰/۰۲	۰/۰۸
دهه ۷۰	۰/۱۱	۰/۵۹	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۰۶
دهه ۸۰	۰/۰۷	۰/۳۸	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۷۱	۰/۰۲	۰/۰۴

بنابر آمار جدول (۶-۴)، مشخص گردیده، گفتارهای مذهبی به کار رفته در این سه دهه به ترتیب ۱۵، ۱۱ و ۷ درصد هستند که آنها هم تنها به سلام و خداحافظی و در موارد بسیار اندک به جملات مذهبی تقلیل یافته است. یا استفاده از اسامی دینی در بسیاری از موارد برای نامیدن نقش‌هایی استفاده شده که از قشر فقیر و سنتی به معنای منفی، خشک و بداخلاق بودند که این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که افراد مذهبی عمدتاً فقیر، خدمتکار،

بداخلاق، بسته و محدود هستند که تمام تلاش‌شان به سیر کردن شکم‌شان محدود می‌شود. پایبندی به دین مانند رعایت اخلاق، روابط مناسب و کنترل‌شده زن و مرد، رعایت فرهنگ شهروندی و رفتار مناسب با والدین در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد به ترتیب ۱۸، ۹ و ۸ درصد بوده که این درصد بسیار اندک است.

اصطلاحات مذهبی به کاررفته در فیلم‌های این سه دهه نیز به ترتیب ۱، ۰ و ۰ درصد، و رعایت احکام به ترتیب ۹، ۸ و ۸ درصد بوده است. استفاده از تصاویر و نمادهای مذهبی هم در بین تصاویر به کاررفته در این فیلم‌ها بسیار اندک بوده و به ترتیب ۱، ۱ و ۰ درصد را دربرمی‌گیرد. نوع پوشش مناسب، سیر نزولی داشته است و از اواخر دهه هفتاد تا انتهای دهه هشتاد شاهد پوشش‌های نامناسب و همراه با آرایش‌های غلیظ زنان و لباس‌های نامناسب و تنگ مردان هستیم. صحبت از ائمه در این فیلم‌ها که تنها به بردن نام یا سوگندخوردن از آنها تقلیل یافته بود، به ترتیب ۲، ۵ و ۲ درصد بوده است. شاعر و مناسک دینی هم که در این فیلم‌ها به نمایش گذاشته شده، به ترتیب ۸، ۶ و ۴ درصد است.

از سوی دیگر، بر اساس داده‌های کیفی که پیش‌تر ارائه شد، حتی برخی از فیلم‌هایی هم که در آنها اندکی مناسک دینی استفاده شده، برای استفاده ابزاری از آن و بر ضد دین بوده است. مثلاً در فیلم «آبی» افراد مذهبی بسیار ذلیل، کم‌فهم و ساده‌لوح، محدود و بسته، بددهن، بداخلاق، سنتی و مردسالار نمایش داده شده که برای حفظ آبرو، شرع و مذهب را زیرپا می‌گذارند و حتی فرزندشان را هم نادیده می‌گیرند و فدا می‌کنند و فقط ظاهری مذهبی دارند.

فیلم «بوی کافور، عطر یاس» دو زن چادری را نشان می‌دهد؛ یکی خواهر بهمن که بسیار بداخلاق بود و همه از دستش ناراضی بودند، و دیگری مسافری فقیر که شوهر بیکارش او را کتک زد و بچه‌شان سقط شد و با وجود کمک بهمن به او، ولی زن فقیر بچه مرده‌اش را در ماشین بهمن گذاشت و رفت.

کارگردان «آتش‌بس» یوسف را فردی سنتی و غیرتی نشان می‌دهد، و غیرت را بسیار بد و تعصب‌های خشک می‌داند و به‌رغم اینکه یوسف خودش شخصی غیرتی است، دوست دخترهای بین‌المللی داشته است.

«جدایی نادر از سیمین» نشان می‌دهد کسانی که اخلاق مادی دارند، اخلاق را بهتر از مذهبی‌ها رعایت می‌کنند. مذهبی‌ها دچار فقر و بدبختی و بیکاری‌اند که برای سیرکردن شکم خود حاضرند دروغ بگویند و کلاه‌برداری کنند و فقط ظاهری مذهبی دارند. همچنین این فیلم قوانین اسلام را در خصوص طلاق زیر سؤال برد و مدعی شده که حقوق زنان در اسلام نادیده گرفته شده است.

«دموکراسی در روز روشن» بسیاری از اصول دینی را زیر سؤال می‌برد و افراد مذهبی را ریاکار نشان می‌دهد که با وجود اینکه در برابر دیگران بسیار رفتار مناسبی دارند، با خانواده خود درست رفتار نمی‌کنند. همچنین کارگردان معتقد است کسانی که در جنگ تحمیلی کشته یا ترور می‌شوند و ما آنها را «شهید» می‌نامیم، واقعاً شهید نیستند. نیز فیلم‌های مستندی که درباره شهیدان و جانبازان می‌سازند، فیلم‌های سفارشی هستند و چیزهایی که درباره آنها گفته می‌شود، واقعیت ندارد.

بر اساس داده‌های کمی و کیفی می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران نتوانسته از سینما به‌عنوان ابزاری برای ترویج ارزش‌های دینی و فراهم آوردن شرایط مناسب برای تربیت افراد جامعه استفاده کند و در بسیاری از مواقع، این ابزار بر ضد ارزش‌های دینی به کار رفته است.

عوامل و زمینه‌های تحول در گرایش به ارزش‌ها در سینما

جدول (۷-۴) میزان بهره‌برداری حکومت جمهوری اسلامی ایران

از ابزار سینما در جهت تربیت

مقوله اصلی	گفتارهای دینی	اسامی دینی	پابندی به دین	اصطلاحات دینی	رعایت احکام	تصاویر و نمادها دینی	نوع پوشش مناسب	صحبت از ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	شعائر و مناسک دینی
دهه ۶۰	۰/۱۵	۰/۶۱	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۹۷	۰/۰۲	۰/۰۸
دهه ۷۰	۰/۱۱	۰/۵۹	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۰۶
دهه ۸۰	۰/۰۷	۰/۳۸	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۷۱	۰/۰۲	۰/۰۴

همان‌طور که در نمودار بالا مشخص است، شاهد تحول در گرایش به ارزش‌های دینی در سینما هستیم؛ به گونه‌ای که این گرایش هر چه به دهه هشتاد نزدیک‌تر می‌شود، سیر نزولی داشته که خود می‌تواند معلول عوامل گوناگونی مانند: اولویت‌ها و سیاست‌های دولت‌های حاکم در هر دوره، جهانی شدن و گسترش استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، عدم سیاست‌گذاری مناسب و فقدان استراتژی مناسب فرهنگی درباره سینما باشد که در ادامه به تشریح هر کدام می‌پردازیم.

اولویت‌ها و سیاست‌های حاکم در هر دوره

دهه شصت

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هشت سال (۱۳۵۹-۱۳۶۷) به طول انجامید و در بخش مهمی از دهه شصت، شرایط جنگی بر ایران حاکم بود. در سال ۱۳۶۰ میرحسین موسوی، توانست دولت را در ایران به دست گیرد. اساساً دوره نخست‌وزیری موسوی، یعنی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ یک ویژگی عمده دارد که آن را از دیگر گفتمان‌ها متمایز می‌کند و آن شرایط جنگی بود که بر ایران حاکم بود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

در سال‌های دهه ۱۳۶۰، شاهد بازتعریف جنبه‌های گوناگون زندگی ایرانیان هستیم. این وضعیت، ناشی از دگرگونی ارزش‌های مسلط در نظام فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با دوران پیش از انقلاب است. تحولی که از کتاب‌های درسی گرفته تا نحوه پوشش مردم و محتوای موسیقی و فیلم‌های سینمایی تولیدشده در این سال‌ها قابل مشاهده بود. این تغییرات گسترده به حدی بود که حتی نام خیابان‌های تهران را هم دربر گرفت. نام خیابان «روزولت» به شهید مفتاح، «آیزنهاور» به آزادی و «ملکه الیزابت» به کشاورز تغییر یافت (کدی، ۱۳۸۳: ۴۶).

در سال ۱۳۶۸ دوره سازندگی با شعار تعدیل و توسعه اقتصادی دولت آقای‌هاشمی آغاز شد (شهبازی، ۱۳۸۲: ۲۹۰). در واقع، با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، بازسازی نظام اقتصادی کشور به دغدغه اصلی مسئولان و نخبگان سیاسی کشور بدل گردید (زمانی، ۱۳۹۰).

دهه هفتاد

با پایان یافتن جنگ و رحلت امام خمینی، نظام جمهوری اسلامی وارد حوزه جدیدی شد و دوره سازندگی با شعار تعدیل و توسعه اقتصادی آغاز گردید (شهبازی، ۱۳۸۲: ۲۹۰). از این رو، دولت هاشمی مأمور بازسازی اقتصادی شد و با صراحت اعلام کرد به وزیران و مشاوران سیاسی صرف نیازی ندارد و باید تمام هم و غم دست‌اندرکارانش به مسائل اقتصادی معطوف گردد (امانیان، ۱۳۸۴: ۲۶). در این دوره، برنامه توسعه اقتصادی به صورت شتابان دنبال می‌شد و توسعه فرهنگی را دربرداشت (اطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

با توجه به تغییر فضای گفتمانی در این دوره و تأکید گفتمان جدید بر اقتصاد لیبرالیستی که لازمه آن مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی بود و اینکه تولید ثروت از طریق سازندگی و تولید در دستور کار گروه سیاسی حاکم قرار گرفت. در دوران جنگ، تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی - انقلابی به اوج خود رسیده بود (امانیان، ۱۳۸۶: ۲۶)، ولی اکنون در نگرشی کلی، مهم‌ترین تغییر ارزشی حرکت از سوی ارزش‌های معنوی و فرامادی به سوی ارزش‌های مادی و دنیوی بود. ارزش‌شدن ثروت و نمودهای تابع آن همچون نوع پوشش، مسکن، خوراک و... در این زمینه مهم‌ترین سنجش دگرگونی‌ها به‌شمار می‌آمد (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۸). بدین ترتیب، نظام سرمایه‌داری حاکم شد و ارزش یافت که لازمه آن، فرهنگ مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و حاکم‌شدن مادی‌گرایی بر زندگی مردم بود.

با انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهور در خرداد ۱۳۷۶ خرده‌گفتمان دیگری در متن گفتمان کلان اسلام‌گرایی شکل گرفت. این گفتمان را می‌توان «صلح‌گرایی مردم‌سالار» یا «لیبرال» خواند. این گفتمان از یک‌سو، تداوم و ادامه واقع‌گرایی است؛ زیرا بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و عمل‌گرایی در سیاست خارجی استوار است، و از سوی دیگر، بر سیاست و فرهنگ بیش از اقتصاد تأکید می‌ورزد و توسعه سیاسی-فرهنگی را حیاتی‌تر و ضروری‌تر از توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌پندارد. عقلانیت و مصلحت‌همچنان دو اصل بنیادین صلح‌گرایی در سیاست خارجی است، ولی نه عقلانیت ابزار صرف، بلکه عقلانیت ارتباطی و اخلاقی؛ عقلانیتی که بر گفت‌وگو و مفاهیم بین‌الذهانی، جامعه‌عاری از سلطه و خشونت ساختاری و حق انتخاب آزاد انسان استوار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۶۲-۸۰).

دهه هشتاد

با شروع کار کابینه سیدمحمد خاتمی، به‌زودی دگرگونی‌های قابل‌ملاحظه‌ای در فضای سیاسی و فرهنگی کشور پیدا شد (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۴: ۳۱۶-۳۱۸). گفتمان دولت اصلاحات نیز به توسعه سیاسی، اصلاحات فرهنگی و گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات معتقد بود. در واقع این دوره را باید دوره آزادسازی سیاسی در برابر آزادسازی اقتصادی دوره سازندگی دانست (علیزاده و رضوی، ۱۳۸۰).

محمود احمدی‌نژاد در سوم تیر ۱۳۸۴ بر مسند ریاست‌جمهوری تکیه زد و در شرایطی که دولت‌های پیشین سعی داشتند در چارچوبی واقع‌گرایانه توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی را با ابزارهای مدنی از اندیشه‌های اقتصادی و سیاسی رایج در دنیا به جامعه ایران بکشانند، رئیس‌جمهور جدید ایران منادی دولت عدالت‌محور و مهرورزی شد (خواجه سروری، ۱۳۸۶: ۵-۳۵) و بر بازگشت به اصول انقلابی تأکید ورزید.

در این دوره، می‌توان چند اصل اساسی را در سیاست داخلی شناسایی کرد که دولت نهم سعی داشت برنامه‌های خود را در راستای آن تنظیم کند: مهرورزی، خدمت‌گزاری، ظهور روحیه خودباوری و راهبرد ملی «ما می‌توانیم»، اصول‌گرایی و احیای اصول آرمان‌های نخستین انقلاب و در رأس آن عدالت (دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۸۴: ۴۵). بنابراین، در هر کدام از این دوره‌ها، به‌دلیل اولویت‌های دولت‌ها، سیاست‌گذاری فرهنگی مناسبی صورت نگرفته و البته، سیاست‌های فرهنگی را هم تحت‌تأثیر قرار داده است.

عدم سیاست‌گذاری مناسب و فقدان استراتژی مناسب فرهنگی (به‌طور ویژه

درباره سینما)

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی در ایران با مقدم‌داشتن «توسعه اقتصادی» بر مسائل فرهنگی، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد آوردند و آنچه در برنامه‌های توسعه کشور، توسعه فرهنگی نامیده می‌شود، چیزی جز بسط فرهنگ توسعه غربی نیست و به‌طور کلی سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه، بیشتر نمایشی است تا سیاست‌گذاری‌های عمیق و ریشه‌ای.

جنگ نرم

جنگ نرم که در برابر جنگ سخت به کار برده می‌شود، تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه‌های نظامی است (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۵). در واقع جنگ نرم، هرگونه اقدام نرم‌افزارانه، اعم از روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، سایبری، دیجیتالی، اطلاعاتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی یا بهره‌گیری از روش‌های اقناع‌سازی و یا مدیریت احساسات‌سازی و جذب، رقیب را به انفعال و شکست وامی‌دارد (احمدزاده کرمانی، ۱۳۸۸: ۴۳).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل کم‌رنگ شدن جایگاه ارزش‌های دینی در حوزه فیلم‌های سینمایی، تأثیر جنگ نرم بر نخبگان حوزه فرهنگی است؛ چراکه ما شاهد ورود ارزش‌های غربی در فیلم‌های سینمایی و ترویج این ارزش‌ها و از سوی دیگر، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و حتی نشان دادن ارزش‌های دینی به‌عنوان ضدارزش در فیلم‌های سینمایی هستیم.

جهانی شدن

جهانی شدن ابعاد گوناگونی دارد که یکی از آنها، جهانی شدن در بعد فرهنگی است؛ بدین معنا که هر کشوری که قدرت بیشتری داشته باشد، می‌تواند فرهنگ خود را جهانی کند. کشوری که قدرتمندترین ابزار فرهنگی، یعنی رسانه را در دست دارد، ارزش‌های خود را از طریق رسانه در جهان گسترش می‌دهد. به نظر می‌رسد، ارزش‌های غربی طی فرایند جهانی شدن بر سینمای ایران اثر گذاشته است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر آن بودیم تا از راه تحلیل محتوای فیلم‌های سینمایی به بررسی این مسئله پردازیم که جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه توانسته از ابزار سینما در تربیت افراد استفاده کند و ارزش‌های دینی در سینما چه جایگاهی دارد. از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم، تعداد یازده فیلم از دهه شصت، چهارده فیلم از دهه هفتاد و هفده فیلم از دهه هشتاد انتخاب گردید و سپس در تحلیل محتوای کیفی از روش تحلیل محتوای

عرفی و قراردادی، و در تحلیل محتوای کمی از روش تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای استفاده کردیم و به تحلیل فیلم‌ها پرداختیم. نتایج حاصل از پژوهش‌ها حاکی از آن است که در سینما، ارزش‌های دینی بسیار سطحی و کم‌رنگ مورد توجه قرار گرفته است و حتی در فیلم‌هایی که از ارزش‌های دینی خبری هست، این ارزش‌ها بسیار غیرفنی و گاه خسته‌کننده به مخاطب القا می‌شوند.

در دهه شصت، ارزش‌های مذهبی بیشتری در فیلم‌ها وجود داشت، ولی برای نمونه، فیلم «توبه نصوح» به‌رغم اینکه مخاطب را متوجه آخرت می‌کند، در نهایت به یک سخنرانی مذهبی خسته‌کننده شبیه می‌شود یا در فیلم‌های جنگی در این دهه، تقریباً موضوع همه، یکسان و گاه کسل‌کننده است.

در فیلم‌های دهه هفتاد که ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر می‌شوند، گاه شاهد القای ارزش‌های ضد‌دینی هستیم. بیشتر روح مادی‌گرایی بر این فیلم‌ها حاکم است و در آن، ارزش‌های فمینیستی، روابط آزاد زن و مرد، پوشش متوسط و عشق‌های زمینی بی‌معنا تبلیغ می‌گردد. مثلاً در فیلم «زن شرقی» زن حمید با محمود دوست شوهرش فوتبال بازی می‌کنند که امری نه تنها غیراسلامی، که خارج از عرف است. یا فیلم «چشم‌هایم برای تو» غیرت درباره ناموس را گیردادن و بی‌اعتمادی نشان می‌دهد و روابط با نامحرم در آن خیلی عادی جلوه‌گر می‌شود. یا در فیلم «بوی کافور عطر یاس» روابط آزاد میان زن و مرد را شاهدیم و دو زن چادری فیلم هم بسیار بداخلاق و ناجوانمرد نشان داده می‌شوند. همچنین در برخی از فیلم‌های مذهبی این دهه مانند «هور در آتش»، «یاس‌های وحشی» و «یاغی» شاهد بیان غیرفنی نکات مذهبی هستیم.

در فیلم‌های دهه هشتاد، ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر و ارزش‌های ضد‌مذهبی پررنگ‌تر می‌شوند. روابط آزاد زن و مرد، عادی نشان‌دادن دوستی‌های دختر و پسر پیش از ازدواج، هم‌خانه‌بودن زن و مرد بدون ازدواج، عادی جلوه‌دادن بی‌غیرتی و ... در کنار موارد ضد‌دین دیده می‌شود. مثلاً در فیلم «دمو کراسی در روز روشن» شک در شهیدبودن شهدا و نیز شک در درستی بیان اصول مذهبی به فرزندان القا می‌گردد. یا در فیلم «یکی از ما دو نفر» امور جنسی و دیدگاه‌های فمینیستی برجسته می‌شود. البته در کنار اینها، در برخی موارد مانند فیلم «هر شب تنهایی» باور و نقش باور در زندگی، یا در فیلم «استشهادی برای

خدا» تأثیر راضی‌بودن چهل مؤمن بر آمرزیده‌شدن انسان بعد از مرگ نشان داده شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران نتوانسته از ابزار سینما با وجود اثرگذاری فراوان آن بر اذهان مردم در جهت تربیت دینی آنان استفاده کند.

پیشنهادها

پژوهشی

- بررسی تهاجم فرهنگی در سینمای ایران و راه‌های مقابله با آن؛
- بررسی رابطه و تأثیر جهانی‌شدن بر سینمای ایران؛
- بررسی چگونگی سیاست‌گذاری‌های ریشه‌ای و اجرایی از سوی نخبگان سیاسی در حوزه فرهنگ به‌طور اعم و سیاست‌گذاری‌های سینما به‌طور اخص؛
- بررسی چگونگی افزایش نظارت دولت و حکومت بر سینما برای ترویج پیام دین.

کاربردی

- نظارت دولت و حکومت در تصویب فیلم‌نامه‌های فیلم‌های سینمایی پیش از ساخت.

محدودیت‌های پژوهش

- دشواری مبنای انتخاب فیلم‌ها؛
- دشواری به دست آوردن فیلم‌ها، به‌ویژه برخی از فیلم‌های قدیمی؛
- محدودیت در به دست آوردن فهرست همه فیلم‌های ساخته‌شده در سینما.

کتابنامه

- * نهج البلاغه، دشتی، محمد (۱۳۸۵).
۱. آخوندی، مرتضی (۱۳۹۱)، رسانه‌های تعاملی و آموزش مفاهیم اسلامی به کودکان: مطالعه آزمایشگاهی نرم افزار اسلامی «شکوفه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده علوم اجتماعی.
 ۲. آذری بروجنی، ابودر (۱۳۸۹)، دین و رسانه؛ شناسایی و تحلیل ناهمگونی‌های برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران با مبانی فرهنگ اسلامی در حوزه اعتقادات و اخلاق از منظر صاحب‌نظران حوزه دین و رسانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
 ۳. احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۸۸)، «درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۲، ش ۴۳.
 ۴. اطهری، حسین (۱۳۸۵)، مبانی و عوامل شکل‌گیری جنبش دوم خرداد، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
 ۵. امانیان، حسین (۱۳۸۴)، درآمدی بر عقلانیت سیاسی در ایران، تهران: پرسمان.
 ۶. امید، جمال (۱۳۷۴)، فرهنگ سینمای ایران، تهران: انتشارات نگاه.
 ۷. بدرالدین، عبدالحسن (۱۳۹۰)، بررسی حضور زن در عرصه‌های هنر به‌ویژه سینما و تاثیر آن از دیدگاه فقه اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
 ۸. بدیعی، نعیم (۱۳۸۰)، تحلیل محتوا، قم: انتشارات اداره کل تبلیغات.
 ۹. جعفریان، اعظم (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای هویت اجتماعی زن با تأکید بر هویت دینی در سینمای دهه هشتاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 ۱۰. جمشیدی، احمد (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ بر روی مطبوعات شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.

۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، چاپ دوم.
۱۲. _____ (۱۳۷۳)، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۳. _____ (۱۳۷۹)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۴. _____ (۱۳۷۸)، صحیفه نور، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۵. _____، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۶. خواجه‌سروری، غلام‌رضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال ۳، ش ۳.
۱۷. دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۸۴)، «برنامه دولت نهم»، برگرفته از:
<http://www.Spk-gov.ir/Repnts.asp?Itemid=22564>
۲۰. راجردی، ویمر و جوزف آر. دومینیک (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه: کاووس سیدامامی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات مطالعاتی و سنجش برنامه‌ای.
۲۱. رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۱)، تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، تهران: نشر سروش.
۲۲. زمانی، سمیه (۱۳۹۰)، «انقلاب در سبک زندگی»، پگاه حوزه، ش ۳۰۹، ۱۲ شهریور.
۲۳. سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۳)، قدرت گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
۲۴. _____ (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۷، ش ۲۸.

۲۵. _____ (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
۲۶. شهبازی، محبوب (۱۳۸۰)، تقدیر مردم سالاری در ایران، تهران: نشر روزنه.
۲۷. صمدی، صهبا (۱۳۹۱)، تأثیر تماشای انیمیشن‌های مذهبی ایرانی بر رفتار دینی نوجوانان مطالعه موردی ۸ مدرسه راهنمایی و دبیرستان منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
۲۸. فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی، اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۸۰، جلد دوم، تهران: عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۹. قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱)، روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳۰. قاسمی، حجت (۱۳۸۸)، راسخون، برگرفته از www.tasver7.coo.ir.
۳۱. کردزاده کرمانی، محمود (۱۳۸۰)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۳۲. کریندورف، کلاوس (۱۳۷۳)، «آموزش: تجزیه و تحلیل محتوا»، ترجمه: محمدسعید ذکایی، مجله رسانه، ش ۲۰.
۳۳. کدی، نیکی. آر (۱۳۸۳)، نتایج انقلاب ایران، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۳۴. گونتر، بری (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق رسانه‌ای، ترجمه: مینو نیکو، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۳۵. محمدی، مصطفی (۱۳۸۹)، «جنگ نرم ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۱۹.
۳۶. مهدی‌نژاد، رسول (۱۳۹۱)، رهیافتی برای تدوین الگوی مدیریت رسانه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
۳۷. مقتدایی، زینب (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر روش تحلیل محتوا، برگرفته از <http://rasekhoon.net/article/show/857922>
۳۸. نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۹۱)، راهنمای عملی طرح‌نامه‌نویسی در روش تحلیل محتوا، تهران: نشر علم.

۳۹. هولستی، ال.آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه: نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
40. Kondracki، N. L & N.S. Wellman (2002), "Contentanalysis: Review of methods and their applications in nutrition education"، Journal of Nutrition Education and Behavior، vol 34، p. 224-230.
41. Poole، M. S & J.P. Folger (1981), "Modes of observation and the validation of interaction analysis schemes"، Small Group Behavior، vol 12، p. 477-493 .